

مقاله

فقه شیعی از منظر تاریخ اجتماعی فرهنگی: یادداشت‌هایی برای پژوهش آتی

سید محمود نجاتی حسینی^۱

مقدمه

یکی از حوزه‌های نظری مغفول در مطالعات اجتماعی دین در ایران، فقه پژوهی اجتماعی مدرن است. از این حیث و با توجه به اهمیت نظری و راهبردی این حوزه، پرداختن به صورت‌بندی‌های اولیه جامعه‌شناسی فقه شیعی از چشم‌انداز جامعه‌شناسی دین سودمند خواهد بود. ادعای فروتنانه این مقاله به دست دادن صورت‌بندی اولیه از پروبلماتیک جامعه‌شناسی فقه شیعی است؛ به همان معنایی که از پروبلماتیک (پرسش‌ها، مفروضات و پاسخ‌های موقتی) در علوم اجتماعی فهمیده می‌شود. در این مقاله بسیار فشرده به ترتیب با مبنا قرار دادن تاریخ‌های اجتماعی، فرهنگی و گفتمانی فقه پژوهی سنتی و نو، برخی از خط‌سیرهای صورت‌بندی اولیه جامعه‌شناسی فقه برای تحلیل و تبیین‌های آتی از نسبت فقه و جامعه در ایران معاصر ارائه می‌شود. بهتر است این مقاله را یادداشت‌هایی برای پژوهش آتی (به اصطلاح لویی آلتوسر فرانسوی) تلقی کرد؛ با وجود این مقاله حاضر می‌تواند فارغ از دیدگاه‌های سیاسی چالش‌انگیز و گفتمان‌های قدرت‌مدار، صرفاً در عرصه داور علمی گشایشی باشد برای ارزیابی جامعه‌شناسی فقه شیعی. به نظر این نوع داورها و بازخوردهای دانشگاهی راه را برای پژوهش‌های بهتر و کامل‌تر در این حوزه نوظهور از جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی اسلام و جامعه‌شناسی تشیع در ایران فراهم می‌کند. فقه پژوهی‌های سنتی و جدید را می‌توان از جمله کانون‌های فکری دانست که امکان استخراج «خط‌سیرها» را فراهم می‌کنند. از این رو کانون‌های نظری فکری منبع دیگری در کنار جامعه‌شناسی دین هستند. قبل از پرداختن به این فقه پژوهی‌ها مقوله‌های زیر بررسی می‌شود:

الف) نسبت فقه و دین؛

۱- مدیر بخش جامعه‌شناسی دین - مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

ب) الزامات فقه برای جامعه؛

ج) جریان تاریخی شکل‌گیری فقه.

سپس با استناد به نمونه‌هایی از رویکردهای فقه‌پژوهی سنتی و جدید (به‌طور مختصر) «خطوط نظری» مرتبط با جامعه‌شناسی فقه (حداقل در زمینه موضوع و هدف این مقاله) ارائه می‌شود.

تاریخ اجتماعی فقه‌پژوهی سنتی

در این قسمت نگاه تاریخی گذرایی به شکل‌گیری فقه شیعی خواهیم داشت. اصطلاح فقه Jurisprudence در ادبیات سنتی و جدید فقه شیعی به دو معنا آمده است؛ اول، استنباط احکام کلی از کتاب (قرآن) و سنت (رویه پیامبر اسلام(ص)) و سیره امامان شیعه(ع) و تطبیق آنها با موارد خاص و تعیین حکم آن موارد (مجتهد شبستری، ۱۳۷۷: ۴۲)؛ دوم، مطلق فهم یا فهم دقیق مسائل نظری و در اصطلاح دانستن احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی آنها که به مفهوم دانستن استدلالی احکام و دانستن از روی ادله و وسایط در اثبات آنها و نه وسایط در ثبوت است (گرچی، ۱۳۷۷: ۷). به این دو معنا فقه نسبت تنگاتنگی با دین دارد؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت کانون اصلی فقه شیعی بر اوامر و نواهی دین اسلام استوار است و اساس آن نیز در کتاب و سنت جای دارد:

تقسیم‌بندی سه‌گانه اوامر و نواهی دینی در اسلام - عبادات، معاملات، سیاست - اگرچه با فقه و فقها ارتباط می‌یابد، بی‌شک اساس آن در قرآن مجید و سنت پیامبر قرار دارد و علم فقه گسترش‌یافته همان نواهی و اوامر است. مفهوم اوامر و نواهی خداوند برای عموم مسلمانان در طول تاریخ آنها محوری‌ترین مفهوم دینی نیز بوده است (مجتهد شبستری، همان: ۶).

با توجه به این نسبت، حوزه‌های فقهی (معاملات، عبادات، سیاست، اخلاقیات) از حیث تاریخی و اجتماعی الزاماً با جامعه اسلامی پیوند نزدیکی داشته و موجب شده است تا فقه بر صدر کرسی دانش‌ها و معارف دینی نشیند و فقها نیز در میان مسلمانان نفوذ عام داشته باشند. تا جایی که به گفته یکی از دین‌پژوهان کلاسیک - امام محمد غزالی - در «احیای علوم دین» فقه خود «قانون سلطان» شده است و سلطان با فتوایی که فقها در اختیارش می‌گذارند، حکومت می‌کند (همان: ۶ و ۱۷؛ سروش، ۱۳۷۸؛ حائری یزدی، ۱۳۷۸).

این الزامات تاریخی، اجتماعی به ثبات، گسترش و استمرار فقه و پیوند خوردن آن با نیازها و مسائل دینی جامعه اسلامی منجر شده است:

فقه از این طریق گسترش پیدا کرد که فقها «افعال مکلفین» و «حوادث واقعه» را بر کتاب و سنت عرضه می‌کردند و از این راه برای آنها حکمی از احکام پنجگانه دینی (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) را معین کردند. این

احکام در هر سه حوزه اصلی فقه وجود دارد؛ عبادات (نماز، روزه، حج و زکات)، معاملات (بیع، نکاح، طلاق، عقود و ایقاعات) و سیاسات (مجازات، دیات، قصاص، حدود، تعزیرات، شورا و احکام ولایت عامه) (همان: ۷-۶).

در صورت شبیه‌سازی نظری حوزه‌های سه‌گانه فقهی با خرده‌نظام‌های جامعه، می‌توان گفت که حوزه‌های فقه شیعی با هر چهار «خرده‌نظام جامعه‌ای یعنی اقتصاد، اجتماع، سیاست و فرهنگ» قابل مقایسه‌اند. این مقایسه‌پذیری نسبت‌تنگاتنگ فقه و جامعه را به‌نحوی شفاف‌تر به‌ویژه با زبان جامعه‌شناختی - ترسیم کرده و راه را برای به‌دست دادن خط‌سیرهای مفهومی نظری جامعه‌شناختی فقه هموارتر می‌سازد. نکته دیگر در این زمینه وجود مستندات فقه شیعی است. منظور منابع معرفت‌شناسی است که برای استخراج احکام و انطباق آن با موارد و مصادیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه اسلامی کاربرد دارد. اینها عبارتند از کتاب (قرآن)، سنت (فعل، قول و تقریر پیامبر اسلام و امامان معصوم شیعه)، اجماع (اتفاق نظر فقها در کشف نظر معصوم) و عقل (قدرت استدلال و بینه‌آوری) (گرگی، پیشین: ۸-۷).

با بررسی فشرده شمای تاریخی ادوار فقهی برخی از وجوه برجسته فقه شیعی که دست کم طی یک هزاره شکل گرفته‌اند، مشخص می‌شود (جدول ۱).

از این یافته‌ها دست کم چهار خط‌سیر کلیدی نظری برای جامعه‌شناسی فقه استخراج می‌شود: نسبت فقه و امر واقع تاریخی - اجتماعی در دوره‌های تاریخی؛ ویژگی‌های گروه اجتماعی فقها؛ گروه اجتماعی و حلقه اجتماعی فقها (مقلدان و شاگردان)؛ نسبت فقها با سیاست. اما برای تکمیل این خط‌سیرها باید رویکرد فقه‌پژوهی جدید واری‌شود.

جدول ۱. تاریخ اجتماعی فقه شیعی (یک تا پانزده هجری / هفت تا بیست میلادی)

دوره فرهنگی	زمان تاریخی هجری قمری (میلادی)	نشانگان	برخی فقهای شاخص
تفسیر و تبیین	از رحلت پیامبر(ص) تا غیبت کبری(۷ م)	تبیین و تدوین توسط پیامبر و امامان معصوم	شیخ صدوق، شیخ مفید، کلینی
محدثان	از ۳۲۹ تا سده ۵ (۱۰ تا ۱۱ م)	پالایش و تفسیر کتاب و سنت	ابن عقیل عمانی، ابن جنید اسکافی، سید مرتضی
آغاز اجتهاد	از ۳۲۹ تا ۴۳۶ (۱۰ تا ۱۱ م)	تدوین ابواب و حوزه‌های سه‌گانه	شیخ الطائفه (شیخ طوسی)
کمال اجتهاد	از ۳۲۹ تا ۴۶۰ (۱۰ تا ۱۱ م)	اکمال و تکمیل	ادریس حلی

تقلید	از ۴۶۰ تا ۵۹۸ (۱۱ تا ۱۲ م)	فقدان صور احکام نظری به دلیل عظمت شیخ الطائفه	محقق حلی، علامه حلی، ادريس حلی، فخرالمحققين
نهضت مجدد مجتهدان	از ۵۹۸ تا سده ۱۱ (۱۲ تا ۱۷ م)	نظروزی انتقادی در آرای شیخ طوسی	امین استرآبادی، وحید بهبهانی، فیض کاشانی، حر عاملی، مجلسی
نهضت اخباریان	از ۱۲۰۵ تا ۱۲۸۱ (۱۹ م)	اصالت انحصاری کتاب و سنت و ردیه بر فقها	مرتضی انصاری، بحر العلوم، کاشف الغطاء، نراقی، اصفهانی، قمی
استنباط فقهی	از ۱۲۸۱ تا کنون (۱۹ م)	رفع شبهات اخباریون و کمال قوت استنباط فقهی	کلانتر تهرانی، قزوینی، کوه کمری، نهاوندی، شیرازی، رشتی، آشتیانی
معاصر	از ۱۴۳۰ به بعد (۲۰ م)	تأکید بر علم اصول و استنباطات عقلی فقهی	مقمانی، نائینی، حائری یزدی، شاه آبادی، بروجردی، خوئی، اراکی، گلپایگانی، مرعشی، خمینی، منتظری، سیستانی

*(مرتب و بازسازی شده بر مبنای داده‌های گرجی، پیشین: ۹-۸)

تاریخ فرهنگی فقه پژوهی نو

مسائل مربوط به نسبت فقه و جامعه به‌ویژه خرده‌نظام سیاست اخیراً با تأکید بیشتر و با نگرشی جدیدتر (در مقایسه با رویکرد فقه‌پژوهی سنتی) در آستانه شکل‌گیری است. در رویکرد جدید فقه‌پژوهی نوعی "بازاندیشی" در زمینه مسائل جدید دیده می‌شود. تحلیل این واقعیت اجتماعی به‌ویژه در ارتباط با فقه شیعی در ایران پس از انقلاب اسلامی و با تأسیس جمهوری اسلامی اهمیت بیشتری یافته است. بازاندیشی‌ها نسبت به چالش‌ها و مسائل مستحدثه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و چاره‌اندیشی‌های فقهی که جریان یافته‌اند، از این نظر شایان توجه هستند. در نتیجه این جریان نظری فقهی نوپدید برخی از خط‌سیرهای نظری را برای صورت‌بندی جامعه‌شناسی فقه شیعی تأمین می‌کند. از این‌رو در این بخش ترجیحاً دو نمونه از این ادبیات معرفی می‌شود. واریسی نمونه‌های مستوفای دیگر مستلزم مطالعه‌ای مستقل است که در این مقاله به آن پرداخته نمی‌شود.

این دو نمونه عبارتند از: الف) نسبت فقه، دین و مسائل شکلی و ارزشی نظام اجتماعی مطلوب در اسلام؛ ب) نسبت شرع (فقه) و عرف (حکومت) در گفتمان‌های فقهی از آغاز تا کنون. در مورد طرح مسائل شکلی و ارزشی نظام جدید مطلوب اسلامی در فقه شیعی، یکی از فقه‌پژوهان جدید و متأخر بر آن است که می‌توان سه نظریه رقیب را مورد توجه قرار داد: اول، بیان اصول ارزشی و مسائل شکلی نظام اجتماعی در شرع آمده است؛ دوم، صرفاً به اصول ارزشی نظام اجتماعی در شرع اشاره شده است؛ سوم اینکه نه اصول ارزشی و نه مسائل شکلی نظام اجتماعی مطلوب اسلامی در شرع و فقه دیده نشده است (مجتهد شبستری، همان: ۷۲-۶۷). در این سه نظریه امکان دستیابی به چند خط‌سیر مفهومی نظری وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲. خط‌سیرهای مفهومی در نگرش‌های فقهی به نظام اجتماعی مطلوب در اسلام

خط سیرها رویکرد فقهی	اصول	وظیفه مسلمانان	نسبت‌ها و شکل‌بندی‌های اجتماعی
رویکرد ۱ بیان اصول ارزشی و مسائل شکلی نظام اجتماعی در فقه و شرع	۱. شکل نهادها و رابطه آنها با یکدیگر و مردم دیده شده است.	۱. مسلمانان باید براساس این اصول زندگی کنند. ۲. مسلمانان از تشکیل نظام غیرشرعی منع شده‌اند.	۱. حقوق جامعه‌ای بر قامت تمدن است.
رویکرد ۲ بیان اصول ارزشی نظام اجتماعی اسلامی در فقه و شرع	۲. فقط اصول ارزشی بحث شده است و نه مسائل شکلی نظام اجتماعی. ۳. نظام حکومتی صدر اسلام عرفی بوده و با تغییر عرف دگرگون شده است.	۳. مسلمانان باید حافظ اصول ارزشی ثابت اسلامی در دگرگونی‌های عرفی باشند. ۴. مسلمانان باید شرع را در صحنه‌های عرفی حاضر نگه دارند.	۲. شکل جامعه باید با عرف زمان تناسب داشته باشد.
رویکرد ۳ عدم بیان اصول ارزشی و مسائل شکلی نظام اجتماعی اسلامی در شرع و فقه	۴. نه اصول ارزشی و نه مسائل شکلی نظام اجتماعی مورد نظر اسلام هیچ‌کدام در شرع نیامده است.	۵. اصول ارزشی مربوط به اخلاق فردی است و نه اخلاق جمعی، ازاین‌رو وظیفه مسلمانان عمل به اخلاق اسلامی به‌صورت فردی است.	۳. تفکیک دین از سیاست ضروری است.

* (مرتب‌شده بر مبنای داده‌های مجتهد شبستری، پیشین: ۷۲-۶۷).

تاریخ گفتمانی فقه پژوهی نو

قرائت دیگری از فقه‌پژوهی نو بر آن است که آرا و دوره‌های فقهی را می‌توان برحسب قواعد و

نرم‌های **گفتمان**^۱ (نظام‌های دانایی و دانش‌سازی مبتنی بر زبان، معناسازی، هویت‌سازی، کنش‌سازی همراه با حفظ / حذف برخی هویت‌ها و سوژه‌ها) فهمید و تشریح و تبیین کرد. در این زمینه و برای نشان دادن گفتمان‌های فقهی ناظر بر نسبت شرع (فقه) و عرف (حکومت)، یک فقه‌پژوه معاصر (کدیور، ۱۳۷۸) بر آن است که از آغاز شکل‌گیری فقه شیعی (۴ ه ق / ۱۰ م) تا استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان چهار گفتمان فقهی ناظر بر نسبت شرع (فقه) و عرف (حکومت) را استخراج کرد:

- ❖ **گفتمان اول:** تکوین هویت مذهبی شیعه؛ گفتمان دوم: ولایت انتصابی فقها در امور شرعی و سلطنت مسلمان ذی‌شوکت در امور عرفی؛ گفتمان سوم: نظارت فقها و مشروطیت سلطان؛ گفتمان چهارم: ولایت انتصابی مطلقه فقها یا گفتمان جمهوری اسلامی.
- این گفتمان‌ها از حیث تاریخی عبارتند از:
- ❖ **گفتمان اول** از ۳۲۹ ه ق تا روی کار آمدن امپراتوری صفویه در ایران؛ گفتمان دوم از صفویه تا انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ میلادی؛ گفتمان سوم از مشروطه تا قبل از انقلاب اسلامی ۵۷ و گفتمان چهارم از عصر جمهوری اسلامی ایران تا کنون.
- ویژگی‌هایی برشمرده‌شده برای هریک از این گفتمان‌ها می‌تواند برخی دیگر از خط‌سیرهای نظری در جامعه‌شناسی فقه را کامل‌تر کند (جدول ۳).

جدول ۳. گفتمان‌های فقهی ناظر بر نسبت شرع (دین) و عرف (دنیا)

گفتمان‌های فقهی	ویژگی‌های گفتمان‌های فقهی ناظر بر شرع و عرف
الف) گفتمان تکوین هویت مذهبی شیعه (۴ ه ق تا صفویه)	۱. تنها حکومت عرفی مشروع حکومت معصوم است. ۲. ابواب فقهی معاملات، عبادات و سیاسات است. ۳. هم فقها معطوف به استخراج احکام حوزه خصوصی است و نه عمومی. ۴. وظایف فقها منوط به امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت، اقامه حدود شرعی، اخذ وجوهات شرعی، اقامه نمازهای واجب، رؤیت هلال ماه، مراسم حج، سرپرستی صغار و محجورین و مانند آن است.
ب) گفتمان ولایت انتصابی فقها	۵. به رسمیت شناختن سلطنت شاهان شیعه و صوفی‌مسلم

۶. تولد اندیشه سیاسی اجتماعی فقهی ۷. تدوین ابواب فقهی جدیدتر ۸. تقسیم کار میان حاکمان شرعی (قضاوت و امور حسبه) و حاکمان عرفی (حکومت و امنیت) ۹. همکاری فقها با حکومت	در امور شرعی و سلطنت مسلمان ذی شوکت در امور عرفی (از صفویه تا انقلاب مشروطه)
۱۰. تأکید بر دو اصل مساوات و حریت ۱۱. تأکید بر تقید حکومت به نظارت وکلای مردم و قانون اساسی و فقه‌های شیعه ۱۲. پرداختن برخی از فقها به مباحث جدیدی مانند حقوق، آزادی، عدالت، استبداد، تفکیک قوا، مساوات، وکالت، رأی، قانون و مشروطه ۱۳. پیدایش دو نگرش حکومت مشروطه (آخوند خراسانی و نائینی) و حکومت مشروعه (شیخ فضل‌الله نوری)	ج) گفتمان نظارت فقها و مشروطیت سلطان شیعی (از انقلاب مشروطه تا قبل از انقلاب اسلامی ۵۷)
۱۴. اسلام برای اجرای احکام الهی به تشکیل حکومت نیاز دارد. ۱۵. اقامه حکومت اسلامی و آماده کردن مقدمات آن بر عهده فقه‌است. ۱۶. وظیفه مردم تبعیت از فقه‌است. ۱۷. فقه‌های عادل از جانب شارع مقدس منصوب شده‌اند و حکومت اسلامی یعنی ولایت فقه‌های عادل منصوب از جانب شارع مقدس با وظایف پیامبر و ائمه معصوم.	د) گفتمان ولایت انتصابی مطلقه فقها (به‌عنوان گفتمان مسلط) یا گفتمان جمهوری اسلامی ایران (از انقلاب اسلامی ۵۷ تاکنون)

* (مرتب‌شده بر مبنای داده‌های کدیور: ۱۳۷۸، آ، ۱۲؛ ۱۳۷۸ ب: ۲۶-۹).

در این میان اما گفتمان "جمهوری اسلامی ایران" (ولایت انتصابی مطلقه فقها) که از لحاظ نظری مستند به قانون اساسی و در عمل مبتنی بر سازوکارهای حقوقی - قانونی پیش‌بینی شده و مورد عمل در ایران پس از انقلاب اسلامی است، به لحاظ تأثیرگذاری اجتماعی سیاسی برای واکاوی جامعه‌شناسانه (در مقایسه با سه گفتمان دیگر) اهمیت خاصی دارد. طرح دیگر ویژگی‌های این گفتمان فقهی به استخراج خط‌سیرهای مفهومی نظری جامعه‌شناسی فقه کمک می‌کند. اینها را می‌توان به‌صورت گزاره‌های زیر بازنویسی کرد (کدیور، ۱۳۷۸ ب: ۱۱۷-۱۱۱):

- تقید این گفتمان به امور عمومی، حکومت، سیاست و مصلحت جامعه اسلامی؛

- عدم تقید آن به امور تسیبیه، قوانین بشری و احکام فرعیة الهیه اولیه و ثانویه؛
 - توجه این گفتمان به عامل زمان و مکان در اجتهاد.
- همچنین در این گفتمان فقهی آراییی است که قائل به این اصول کلیدی اجتماعی‌اند:
- فقه قادر به حل مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی جهان است؛
 - نوعی مدیریت فقهی برای اداره کامل انسان و اجتماع وجود دارد؛
 - سیاست یکی از شعبات فرعی فقه و دیانت است؛
 - حکومت نیز فلسفه عملی کلیت و تمامیت فقه است؛
 - فقه در تمامی زوایای زندگی انسان و اجتماع نافذ و جاری است؛
 - فقه نظریه واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از "گهواره تا گور" است.
- فارغ از هر گونه داوری درباره ویژگی‌ها و اصول این گفتمان فقهی مسلط، باید گفت که ویژگی‌ها و اصول مذکور می‌تواند بیشترین سهم را در تدوین **خط سیرهای نظری جامعه‌شناسی فقه شیعی** داشته باشد که خود هم موضوعی نو و هم موضوعی مستقل برای پژوهش‌های آتی در حوزه **جامعه‌شناسی(های) اسلام و تشیع** است.

منابع

۱. حائری یزدی، مهدی (۱۳۷۸). «حکمت احکام فقهی»، کیان، ش ۴۶، ویژه‌نامه فقه و جهان مدرن.
۲. سروش، عبدالکریم. «فقه در ترازو: چند پرسش از محضر آیت‌الله منتظری»، کیان، ش ۴۶، ویژه‌نامه فقه و جهان مدرن.
۳. کدیور، محسن (آ ۱۳۷۸). نظریه‌های دولت در فقه شیعی، تهران: نشر نی.
۴. _____ (ب ۱۳۷۸). حکومت ولایی، تهران: نشر نی.
۵. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). تاریخ فقه و فقها، تهران: انتشارات سمت.
۶. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۷). هرمنئوتیک، کتاب و سنت، تهران: طرح نو.
۷. _____ (۱۳۷۸). بستر معنوی و عقلانی فقه، کیان، ش ۴۶، ویژه‌نامه فقه و جهان مدرن.

